

زندگی نامه موسس حوزه علمیه قم

۷ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۵:۲۴

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی موسس حوزه علمیه قم در سال ۱۲۷۶ (هق) مصادف با ۱۲۳۹ (هش) در روستای مهرجرد میبید، واقع در ۶۰ کیلومتری یزد به دنیا آمد. پدر ایشان مردی پارسا بود که هر چند از تحصیل علم بی نصیب مانده بود؛ اما از زهد و تقوی بهره داشت.

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی موسس حوزه علمیه قم در سال ۱۲۷۶ (هق) مصادف با ۱۲۳۹ (هش) در روستای مهرجرد میبید، واقع در ۶۰ کیلومتری یزد به دنیا آمد. پدر ایشان مردی پارسا بود که هر چند از تحصیل علم بی نصیب مانده بود؛ اما از زهد و تقوی بهره داشت. دوران کودکی عبدالکریم در دامان پرمهر مادری مهربان سپری گشت و مانند اکثر کودکان آن زمان در محیطی به دور از آموزش‌های علمی روزهای کودکی را سپری می‌کرد؛ ولی روزگار سرنوشت و تقدیری شگرف را برای این کودک روستایی نگاشته بود و مشیت الهی بر این امر قرار گرفته بود که وی تبدیل به یکی از برجسته‌ترین و تاثیرگذارترین علمای دینی مذهب شیعه گردد.

روزی شوهرخاله عبدالکریم به نام محمدجعفر، معروف به «میرابوجعفر» که روحانی بود، به مهرجرد آمد. وی در همان دیدار نخست آثار استعداد و نبوغ را در رفتار این کودک مشاهده کرد. به همین دلیل عبدالکریم را برای یادگیری دانش، با خود به اردکان برد و به مکتب‌خانه سپرد. عبدالکریم در مکتب‌خانه اردکان، در محضر «مجدالعلمای اردکانی» یکی از بزرگان آن دیار، دروس نصاب‌الصبیان، صرف، مقدمات علوم و ادبیات را با عشق و علاقه فراوان آموخت.

در حالی که هنوز ۱۰ سال از بهار عمرش سپری نگردیده بود، از سایه پرمهر پدر بی نصیب گشت، از این رو راه مهرجرد را در پیش گرفت و خود را در کنار مادر غمدیده تنها و دور از مکتب یافت. چند سال را محروم از مکتب و دوستان در روستای مهرجرد گذراند؛ ولی پس از چندی شور و شوق دانش‌آموزی او را بی‌قرار ساخت. به همین دلیل عشق و دلبستگی خویش به علوم دینی را با مادر در میان گذاشت. مادر کوله بار سفر فرزندش را به سوی حوزه علمیه یزد بست و با چشمانی پر از اشک شوق و هجران، فرزند دلبندش را راهی آن سامان ساخت.

شیخ عبدالکریم به یزد رفت ولی پس از تحصیل مبادی فقه و اصول، ماندن در این شهر را نپسندید و تصمیم به مهاجرت به کربلا گرفت. او راهی عراق شد و حدود سال ۱۲۹۸ ق در مدرسه علمیه حسن خان سکونت و به محضر استاد بزرگ فاضل لنکرانی

راه یافت. شرح لمعه و قوانین را در محضر ایشان خواند با رحلت میرزای بزرگ (مؤسس حوزه علمیه سامرا) و بیم از رونق افتادن حوزه علمیه این شهر آیت الله فاضل لنکرانی، شیخ عبدالکریم را برای ادامه تحصیل از کربلا به سامرا فرستاد.

آیت الله حائری سطوح عالییه را در حوزه سامرا در محضر شهید آیت الله شیخ فضل الله نوری و مرحوم میرزا ابراهیم محلاتی شیرازی فراگرفت. در درس خارج نیز بیشتر از محضر تدریس آیت الله سید محمد فشارکی استفاده می کرد. با هجرت آیت الله فشارکی به نجف اشرف، شیخ عبدالکریم حائری نیز پس از حدود ۱۳ سال سکونت در سامرا به نجف هجرت نمود و علاوه بر درس استادش آقای فشارکی در درس آیت الله العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی نیز شرکت نمود. سرانجام بعد از حدود ۱۶ سال آیت الله حائری بار دیگر به کربلا هجرت نموده و تا سال ۱۳۳۲... در کربلا اقامت نمود.

شیخ عبدالکریم حائری در سال ۱۳۳۲ یا ۱۳۳۳، به خواهش فرزند حاج آقامحسن اراکی به اراک مهاجرت کرد و بیش از ۸ سال در آن شهر عهده دار اداره حوزه علمیه و تربیت طلاب شد تا جایی که تعداد طلاب در حوزه اراک از ۳۰۰ نفر گذشت و اراک به یک مرکز عظیم علمی و تحقیقی تبدیل گردید.

در سال ۱۳۴۰ق آیت الله حائری برای زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها و گذراندن تعطیلات ایام نوروز (۱۳۰۱ش) از اراک به قم حرکت کرد. در آن هنگام بسیاری از مردم ایران که از تهران، اصفهان، کاشان و اراک و نقاط دیگر برای شروع سال نو به قم آمده بودند و جمعی از علما و خطبا هم که به همین عنوان مشرف بودند، برای زیارت و دست بوسی ایشان آمده، ضمناً تقاضای اقامت در قم را از ایشان کردند تا این شهر مذهبی را محل توقف خود قرار داده و تشکیل حوزه دهند. علاقه ای که عموم مردم قم و زوار آن سال ابراز داشتند، حاج شیخ را به حال تردید درآورده و فرمودند: استخاره خواهیم کرد. سپس صبحگاهی به حرم حضرت معصومه مشرف شدند و با قرآن کریم استخاره کردند، آیه ۹۳ سوره یوسف آمد: «اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَاَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ» و اولین جمله ای که در اول صفحه قرآن بود، آیه: «وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ» بود. پس با عزمی راسخ و قلبی مطمئن بنا را بر توقف گذارده و به منزل حاج سید علی مصطفوی، تاجر قمی که علما و طبقات تجار و اصناف دیگر، اجتماع کرده و انتظار تصمیم نهایی ایشان را داشتند، آمده و نتیجه استخاره را به استحضار رساند.

قم از روزهای اول تولد تشیع در ایران، به مرکزیت شیعه شهرت داشته و با ورود حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و بعدها به سبب وجود بارگاه آن حضرت به عظمتش افزوده شد و مورد توجه مشتاقان علم و ایمان قرار گرفت. این شهر مقدس تاریخ درخشانی در خصوص برپایی حوزه علمیه و پایگاه دینی مردم دارد. اولین کسانی که در این شهر برای تاسیس حوزه علمیه قیام کردند، محدثان و راویان قبیله اشعری بودند، سپس ظهور شخصیت های بزرگی مثل کلینی و شیخ صدوق و پس از آن روی آوردن شیعیان به این حوزه بر رونق قم افزود.

اما در سال های پیش از ورود شیخ عبدالکریم حائری، قم آن رونق اولیه را در مرکزیت علوم دینی از دست داده بود و آن که همت دوباره و مردانه ای در این راه گمارد و حوزه ای هم طراز و بلکه اجل از حوزه ای نجف اشرف و عتبات عالیات تاسیس نمود، شخص

آیت‌الله حائری بود. در سال ۱۳۴۰ق، مدتی بعد از ورود آیت‌الله حائری به قم، حوزه علمیه این شهر به طور رسمی تاسیس شد. مقارن با تاسیس حوزه رویدادهای مهمی نیز در ایران و جهان به وقوع پیوست که آیت‌الله حائری با کیاست و دوراندیشی ویژه‌ای از این رویدادها کمال بهره‌برداری را به نفع تاسیس حوزه نمود. اهم این وقایع عبارت بودند از:

۱. کودتای ۱۲۹۹ رضاخان: رضاخان برای رسیدن به قدرت به پشتیبانی علما نیاز داشت. از این رو تلاش می‌کرد با نزدیک شدن به علما به این مهم دست یابد. در این میان آیت‌الله حائری با استفاده از فرصت پیش آمده، حوزه علمیه را بدون هیچ بازدارنده سیاسی تاسیس نمود.
 ۲. آغاز جنگ جهانی اول: با آغاز جنگ جهانی اول، نجف و کربلا برای طلاب و علما ناامن گردیده بود و آمد و شد طلاب در آن شهرها به سختی صورت می‌گرفت. این ناامنی سبب شد که بسیاری از علما، این شهرها را به مقصد قم که تنها بدیل این کانون‌های علمی و جای امن برای کارهای علمی بود، ترک گویند. ناامن شدن این مراکز علمی سبب شد علما و فضایی که از ناامنی این مرکزهای علمی نگران بودند، جذب حوزه قم گردند چرا که آیت‌الله حائری با تدبیرها، دوراندیشی‌ها و شناخت دقیق از فرصت‌های پیش آمده، حوزه امن و آرامی را برای تحصیل علم آماده کرده بود.
 ۳. تبعید مراجع نجف به ایران: مرجعیت شیعه در زمان تأسیس حوزه علمیه قم با سید عبدالحسین اصفهانی و نائینی بود. مراجع نجف به خاطر رویارویی با دولت استعمارگر انگلیس که می‌خواست، امتیاز دو رود بزرگ دجله و فرات را ویژه خود گرداند، به ایران تبعید شدند. تبعید این بزرگان به ایران قم را به عنوان یک مرکز مهم تعلیم و تربیت دینی و بدیل عتبات رسمیت بخشید.
- آیت‌الله حائری از مجموعه رویدادهای فوق در جهت تشکیل، توسعه و رسمیت بخشیدن به حوزه علمیه قم استفاده نمود. ایشان تاسیس و حفظ حوزه علمیه قم را از اهم واجبات می‌دانسته و با کیاست و دوراندیشی و تدبیر خود سعی می‌کرد بهانه‌ای به دست دشمنان نداده و از نهال نوپای حوزه علمیه به شدت حفاظت نماید تا به باروری و باردهی رسد؛ به نحوی که در ماجراهایی نظیر آیت‌الله بافقی، آیت‌الله حائری که با هوشیاری مخصوص خود دریافته بود که رضاخان فقط به دنبال بهانه مختصری است که حوزه علمیه را از ریشه برکند، سکوت را پیشه ساخت. رضاخان خود گفته بود: «اگر حاج شیخ عبدالکریم نفس می‌کشید، یک کلمه‌ای می‌گفت فوری ماشین در خانه‌اش حاضر می‌کردم و می‌فرستادمش آنجا که عرب نی انداخت.»
- آیت‌الله حائری دلیل رفتار خود را این‌گونه شرح می‌دهد: «من در مسائلی که از کنه آن آگاهی ندارم، به هیچ وجه دخالت نمی‌کنم و از آنجایی که ایران کشور ضعیفی است و پیوسته تحت فشار و استعمار کشورهای قدرتمندی چون روس و انگلیس می‌باشد، امکان دارد خطوط سیاسی که در ایران وجود دارد، از سوی این قدرت‌های استعماری ترسیم شده باشد و کسانی که در سیاست دخالت می‌کنند، امکان دارد ملعبه دست این قدرت‌ها بوده و ناآگاهانه آب به آسیاب دشمن بریزند. من اگر در کشور فرانسه انگلیس و روس بودم، مسلماً در سیاست دخالت می‌کردم، چون خطوط سیاسی در آنجا روشن بوده و از جایی دیگر این جریان‌ها تحمیل نمی‌شود، بنابراین دخالت خود را در سیاست مقدور نمی‌بینم، گذشته از این دخالت من در سیاست مستلزم

درگیری و خونریزی است و من حاضر نیستم که باعث شوم خون بی‌گناهان ریخته شود».

نویسنده کتاب معمار فضیلت در رابطه با خط مشی سیاسی آیت‌الله حائری این گونه اظهار نظر می‌کند که: رشد سیاسی مردم در آن زمان چندان بالا نبود که بتوان مبارزه را سامان‌دهی کرد. حتی وضع فرهنگی و معیشتی مردم قم به گونه‌ای بود که گویا برخی مردم نمی‌توانستند وضع جدید را بپذیرند و وجود طلبه‌ها را تحمل کنند. به همین دلیل آیت‌الله حائری به طلبه‌ها سفارش کرده بود که در برابر هر گونه بدرفتاری دیگران گذشت کنند تا حادثه‌ای پیش نیاید. ایشان بین دو موضوع مهم و مهم درگیر بود. موضوع اول این بود که با رضاخان درافتد. در این صورت قتل عامی نظیر مسجد گوهرشاد رخ می‌داد. در نتیجه باقی مانده مردم، صحنه را رها می‌کردند، روحانیت شیعه شکست می‌خورد و سازمان حوزه علمیه قم برچیده می‌شد. موضوع دوم این بود که کج‌دار و مریز با رضاخان رفتار شود تا با ادامه کار حوزه علمیه قم، مردان دانشمند و کارایی برای آینده ایران و دنیای اسلام پرورش یابند.

آیت‌الله حائری در طول زندگی خود از استادان برجسته‌ای سود برد که برخی از آنان بدین شرح می‌باشند: آیت‌الله فاضل اردکانی ، حاج میرزا حسن شیرازی (میرزای بزرگ) ، آیت‌الله فشارکی ، آخوند خراسانی ، سید محمد کاظم یزدی ، آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری .

روشنفکری و اندیشه باز و نوآوری شیخ عبدالکریم حائری در حوزه علمیه و اجرای برنامه‌هایی نظیر تنظیم برنامه امتحانی حوزه و اجرای آن، تخصص در فقه، تشویق طلبه‌ها به یادگیری زبان‌های خارجی و اهتمام در پرورش و شکوفایی استعدادهای طلبه‌های مستعد باعث شد که شاگردان برجسته و عالمان ربانی زیادی از کلاس‌های درس ایشان استخراج شود؛ کسانی نظیر: آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، آیت‌الله سید محمد حجت کوه کمری، آیت‌الله شیخ محمدعلی اراکی، آیت‌الله امام خمینی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله مرعشی نجفی، آیت‌الله شیخ مرتضی حائری، آیت‌الله میرزاهاشم آملی، آیت‌الله محمدتقی بافقی و...

از مهمترین آثار و تألیفات آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد :

- کتاب الصلاة در باب مسائل مختلف نماز

- دررالفوائد: در زمینه‌ی اصول فقه

- تقریرات استاد: یک دوره گزارش دروس استادش سید محمد فشارکی در علم اصول فقه

- کتاب النکاح: فقه استدلالی و اجتهادی

- کتاب المواریث: فقه استدلالی و اجتهادی

- مجمع الاحكام: رساله علميه حاج شيخ به زبان فارسي

- كتاب الرضاع: احكام شيردادن به كودك

- حاشيه اي بر عروة الوثقى

- حاشيه اي بر انيس التجار نراقى

اقدامات زير نيز از جمله خدمات اجتماعى آيت الله شيخ عبدالكريم حائرى يزدي محسوب مى شود .

- تاسيس اولين بيمارستان در قم

- تاسيس بيمارستان سهامى قم

- تاسيس بيمارستان فاطمى قم

- تعمير و بازسازى مدرسه دارالشفاء

- تعمير مدرسه فيضيه

- تاسيس كتابخانه فيضيه

- ايجاد قبرستان و غسلخانه در قم

- ايجاد دارالاطعام در قم

- بناى سيل بند و سد در رودخانه قم

- احداث واحدهاى مسكونى براى سيل زدگان شهر قم.

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی در روز نهم بهمن ماه ۱۳۱۵ ش مطابق با ۱۷ ذی القعدة ۱۳۵۵ ق، پس از ۷۹ سال زندگی بابرکت بر اثر حمله قلبی درگذشت. پیکر مطهر وی بعد از تشییع باشکوه توسط مردم در حرم حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد. در حالی که شعله فروزان حوزه علمیه قم که وی بنیانگذار آن بود، هم‌چنان می‌درخشد و منشأ برکات زیادی برای اسلام و ایران می‌باشد.

منبع: سایت دانشنامه اسلامی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۹۲۵/قم-علمیه-حوزه-موسسه-نامه-زندگی>